

اصول مواجهه با دشمن از منظر نهج البلاغه

hfooladi@rihu.ac.ir
mnoohi1366@gmail.com

کلیه حقیظاالله فولادی / استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
محمد نوحی / کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه صدا و سیما
دریافت: ۹۸/۰۹/۱۹ پذیرش: ۹۹/۰۱/۲۵

چکیده

می‌توان گفت که اسلام همواره در تمامی زمینه‌ها، توصیه به میانه‌روی و رعایت حد وسط دارد. از این رو، شایسته بررسی است که بدانیم پیشوایان دین در زمینه مواجهه با دشمن چه رویکردی را توصیه کرده‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع، مقاله حاضر در پاسخ به این سؤال که اصول مواجهه با دشمن از دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام کدامند؟ به استخراج مجموعه‌ای از این اصول با تمرکز بر نهج البلاغه پرداخته است. تکنیک گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای، و بررسی اسنادی و روش تجزیه و تحلیل آنها، توصیف و تحلیل محتوایی داده‌های گردآوری شده است. نتایج به دست آمده در دو قالب اصول مواجهه با دشمنان داخلی و خارجی، و با عنوان‌هایی همانند عفو و گذشت، مدارا کردن، خیرخواهی، رعایت اعتدال... و نیز ضرورت هشجاری در برابر دشمن، پرهیز از خوش‌گمانی نسبت به دشمن، اجتناب از تسلیم شدن در برابر دشمن، و... بیان گردید.

کلیدواژه‌ها: اصول، دشمن، نهج البلاغه، ارتباطات اجتماعی، امیرمؤمنان علی علیه السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بزرگ‌ترین دایرةالمعارف فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود و به همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی اعم از اصول اخلاق و تربیت، قواعد فرهنگ، سیاست، اقتصاد، اجتماع و... توجه کرده، سزاوار بررسی و استخراج پاسخ سؤالات است. بنابراین، سؤال اصلی در این تحقیق، از اصولی است که چگونگی مواجهه با دشمنان را مشخص سازد.

گرچه تحقیقات متعددی در زمینه دشمن‌شناسی و مواجهه با مخالفان از دیدگاه امیرمؤمنان علی^ع وجود دارد؛ اما تحقیقی که به بیان ابعاد مختلف اصول مواجهه با دشمن پرداخته شود، یافت نشد. با این وصف در اینجا به تحقیقات همسو اشاره اجمالی می‌گردد.

«امام علی^ع و اصول برخورد با دشمنان» (داعی‌نژاد، ۱۳۷۹): نویسنده در این مقاله، به اصول و قواعد حاکم بر حکومت آن حضرت در مواجهه با مخالفان و دشمنان پرداخته است. حکومت اسلامی و جایگاه مخالفان در اداره جامعه، رعایت حقوق مخالفان، واقع‌نگری در مواجهه با مخالفان و دشمنان، و بهره‌گیری از جنگ برای مقابله با دشمن، برخی از مهم‌ترین اصول مطرح‌شده در این مقاله در مواجهه با مخالفان و دشمنان است.

«در بررسی و نقد اصول جنگ در نهج‌البلاغه» (رسولی، ۱۳۹۳)، وی ابتدا اصول نه‌گانه جنگ در جنگ‌های امروزی را تعریف کرده و سپس با مراجعه به نهج‌البلاغه و مقایسه بین اصول جنگ با دیدگاه امام علی^ع به امور نظامی در این رابطه پرداخته است. سؤال اصلی تحقیق این بوده که چه تفاوتی میان اصول به‌کارگرفته‌شده توسط حضرت در جنگ‌هایش با اصول حاکم بر جنگ‌های امروزی وجود دارد.

«کنکاشی بر سیره امام علی^ع در مواجهه با مخالفان» (آزادفر، ۱۳۹۴)، به بیان سه راهبرد اساسی حضرت یعنی گفت‌وگو، مدارا، و مواجهه قاطع اشاره می‌کند. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که امیرمؤمنان علی^ع در مواجهه با مخالفان با تمسک به دو اصل اخلاق‌مداری و عدم مواجهه با آنان قبل از اظهار مخالفت، سعی در هدایت و زدودن پرده‌های جهل از آنان داشت تا زمینه‌های انحراف آنها و کسانی که به دلیل ناآگاهی و بی‌خبری تحت تأثیر افکار آنان قرار گرفته‌اند را از بین ببرند؛ از این رو، حضرت تا زمانی که مخالفان دست به قیام نمی‌زدند با آنان مواجهه نمی‌کرد.

«جایگاه دشمنان و مخالفان در نگرش سیاسی امام علی^ع» (علیخانی، ۱۳۸۰)، نویسنده به تبیین جایگاه مخالفان در نگرش سیاسی امام و نحوه مواجهه حضرت با آنان پرداخته است. احترام به اندیشه و آزادی مخالفان، عدم تعرض به توهین‌کنندگان، نفی

ارتباط اجتماعی به‌عنوان پایه‌ای اساسی در حیات جمعی، مبتنی بر قواعد و اصولی است که کارکردهای بسیار وسیعی دارد؛ ترک آن و یا برقراری ارتباط در خارج از چارچوب‌های متناسب با قواعد فرهنگی و تربیتی، آسیب‌ها و خسارت‌هایی را برای فرد و جامعه به وجود خواهد آورد. فقدان قواعدی مشخص برای ارتباط، تعامل انسان‌ها را در حوزه‌های مختلف دچار آسیب خواهد کرد؛ آسیب‌هایی که می‌تواند زمینه‌ساز رخداد انواع دشمنی‌ها و ستیزه‌جویی‌ها میان انسان‌ها و بلکه جوامع گردد.

با قطع نظر از دیدگاه‌های مختلف درباره خاستگاه زیست اجتماعی انسان‌ها، به نظر می‌رسد که اختلاف در زندگی اجتماعی میان آحاد بشر گویا طبیعی بوده و نشئت‌گرفته از سرشت انسان در کیفیت بهره‌گیری از مواهب زندگی و امکانات زیستی و سایر عواملی است که در جای خود بدان‌ها پرداخته شده است. در عین حال، کم نیستند انسان‌هایی که گویا در این اندیشه‌اند با چنگ زدن به هر شیوه‌ای، سطح زندگی خود را ارتقا بخشند و در این راه به فکر بهره‌کشی و استیلا بر دیگران با انواع روش‌ها بپردازند. تعامل صحیح انسان با سایر افراد جامعه، زمانی امکان‌پذیر است که با اصول ارتباطی جامعه خود آشنا باشد؛ در غیر این صورت، زمینه بروز انواع هنجارشکنی‌ها، همچون ظلم، حق‌کشی و تجاوز به حقوق دیگران و... در روابط اجتماعی رخ می‌دهد. قابل‌پذیرش است که یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های بروز تضادها و پیدایی اختلافات را می‌توان در تلاش انسان‌ها، برای نهایت استفاده از امکانات و موقعیت‌های محدود دنیای خارج، تلاش برای استخدام دیگران و... جست‌وجو کرد. براین اساس اگر مطابق نظریه استخدام علامه طباطبائی، بهره‌گیری انسان‌ها از یکدیگر را امری طبیعی قلمداد کنیم، این امر به مرور با سوءاستفاده‌های منفعت‌جویانه و خودخواهانه بعضی افراد، زمینه‌ساز بروز اختلاف و درگیری و دشمنی‌ها می‌گردد (ر.ک: رحمانی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به اینکه یکی از رخداد‌های رایج در میان جوامع انسانی، وجود دشمنی و کینه‌توزی افراد نسبت به یکدیگر است؛ می‌توان مدعی شد که در میان بسیاری از افراد و گروه‌ها در جوامع مختلف، چه‌بسا برای چگونگی مواجهه با دشمن، هیچ‌گونه محدودیت و قاعده‌ای نتوان تصور کرد و بلکه صرفاً غلبه بر دیگران مدنظر باشد. واقعیت این است که در مکتب اسلام و سیره پیشوایان مذهب تشیع بخصوص حضرت امیر^ع اجازه داده نمی‌شود که انسان حتی در بروز دشمنی و مواجهه با دشمن، از اصول و چارچوب‌ها و منطلق دینی خود خارج شود. از آنجا که نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، به عنوان یکی از

توطئه و مکرش کم است» (همان، ص ۵۸۸)؛ و خطرناک‌ترین دشمن، کسی است که دشمنی‌اش را پنهان کرده باشد. حضرت می‌فرماید: «بدترین دشمنان کسی است که دشمنی‌اش عمیق‌تر بوده و بیشتر کیدش را مخفی می‌دارد» (همان، ص ۴۱۵).

از آنجاکه دشمن پنهان یا منافق، با چهره‌های مختلف در جامعه حاضر می‌شود و افراد او را نمی‌شناسند و از او غافل هستند، احتمال ضربات سخت و سهمگین از ناحیه او بسیار زیاد است. امام علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «کسانی که حدیثی برای تو نقل می‌کنند چهار دسته‌اند که پنجمی ندارند: نخست منافقی که اظهار ایمان می‌کند و خود را مسلمان نشان می‌دهد، نه احساس گناه می‌کند و نه از معصیت دوری می‌جوید؛ بلکه از روی عمد به رسول خدا صلی الله علیه و آله دروغ می‌بندد. اگر مردم بدانند که او منافقی دروغ‌گوست حدیث را از او نمی‌پذیرند، و سخنش را راست نمی‌شمارند، ولی می‌گویند: او یار پیامبر صلی الله علیه و آله است. رسول خدا را دیده، و از او حدیث شنیده، و از او فرا گرفته. از این رو، سخن او را می‌گیرند [و می‌پذیرند] و...» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۲۱۰).

از این بیان حضرت روشن می‌شود که از مهم‌ترین عوامل موفقیت در مقابل دشمن، دشمن‌شناسی است. امیرمؤمنان علیه السلام گویا شناخت دشمن را رمز موفقیت در برابر او معرفی کرده و می‌فرماید: «بدانید شما راه رستگاری را نشناسید، مگر کسانی را که آن را رها کرده‌اند بشناسید، و هرگز به پیمان قرآن وفا نکنید، مگر آن‌گاه که بدانید چه کسانی آن را شکسته‌اند، و به قرآن تمسک نجوید مگر هنگامی که بدانید چه کسانی قرآن را کنار گذاشته‌اند» (همان، خطبه ۱۴۷)؛ و خود حضرت بخش عظیمی از تلاش خویش را به افشاگری چهره دشمنان و شناساندن آنان پرداخت.

به واقع در مورد نحوه برخورد و مقابله با دشمن پنهان و منافق که بسیار پرخطر بوده و در طول تاریخ این قبیل دشمنی، بیشترین ضربه را به مسلمین و جوامع وارد کرده‌اند، باید تحقیق جداگانه‌ای در ابعاد مختلف آن انجام گیرد.

مع‌الوصف، از آنجاکه خصومت و دشمنی افراد و جوامع با یکدیگر، گاهی در سطح روابط میان فردی و گروهی در درون یک جامعه و گاهی در سطح کلان و بین‌المللی و خارج از جغرافیای داخلی رخ می‌دهد، اصول مواجهه با دشمن را از منظری دیگر، می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. دسته اول اصول مربوط به مواجهه با دشمن داخلی، و دسته دوم اصول مواجهه با دشمن خارجی. ما در این مقاله مبنای بحث را بر مواجهه با دشمنان داخلی و خارجی متمرکز کرده و مهم‌ترین اصول مواجهه با هریک را بیان می‌کنیم؛ گو اینکه تقسیم هریک از این اصول، در مورد دشمن داخلی و خارجی، به معنای نادیده گرفتن آنها درباره آن

خشونت و خونریزی و پای‌بندی به اخلاق در جنگ و مواجهه با دشمن، از جمله مباحث مطرح‌شده در این مقاله به‌شمار می‌رود.

احکام و آداب جنگ (مصطفوی، ۱۳۸۵)، نویسنده در این کتاب، به صورت اجمالی برخی از مهم‌ترین آدابی را که حضرت امیر علیه السلام در میدان‌های جنگ رعایت می‌کردند، همچون اتمام حجت با دشمن، عدم پیش‌دستی در شروع جنگ، و لزوم مراعات اخلاق و انسانیت در جریان جنگ اشاره کرده است.

در مجموع می‌توان گفت آنچه در این مقاله ارائه می‌گردد، در بیان اصول و قواعد مواجهه با دشمن از منظر **نهج البلاغه**، متفاوت از تحقیقاتی است که تاکنون عرضه شده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اصول

هر گروه و یا جامعه‌ای، قواعد، قوانین و آداب و رسوم خاصی جهت برقراری ارتباط با یکدیگر و حتی انجام امور فردی و اجتماعی خود دارند که به آنها اصول می‌گویند. احوال‌پرسی از همدیگر، مهمان‌داری، برگزاری جشن ازدواج، و تقریباً هرکاری که انسان‌ها در تعامل با هم دارند، بر اساس یک سلسله از اصول خاص خود است.

۱-۲. دشمن و انواع آن

مقوله دشمن که در لغت به معنای بدخواه و کسی که ضرر می‌رساند و... (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه دشمن)، از جمله حوزه‌هایی در مکتب اسلام است که از آن نیز غفلت نشده و دارای اصول خاص خود می‌باشند؛ در واقع در اسلام حتی به چگونگی مواجهه با دشمن نیز توجه شده و برای آن چارچوب‌ها و قواعد مشخصی دیده شده است. اینکه انسان با دشمن خود که دارای بغض و کینه نسبت به وی است چگونه برخورد کرده، و در مقابل بدخواهی و بداندیشی او چگونه مقابله کند، و... اصول و قواعد مشخصی است که امیرمؤمنان علی علیه السلام به عنوان امام و پیشوای انسان‌ها، آنها را مورد توجه قرار داده است. از مجموع سخنان حضرت استفاده می‌شود که از یک منظر، دشمن دو نوع است و دو نوع مواجهه را می‌طلبد؛ یکی دشمن آشکار و دیگری دشمن پنهان.

از دیدگاه حضرت، کم‌خطرترین دشمن، دشمنی است که چهره خود را آشکار کرده و همگان او را به عنوان دشمن می‌شناسند. آنجا که می‌فرماید: «سست‌ترین دشمنان کسی است که عداوتش را آشکار ساخته است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۹)؛ و در کلامی دیگر می‌فرماید: «آن کس که دشمنی‌اش را اظهار کرده،

ابتدایی نزاع، همدیگر را بخشیده و عفو کنند، نزاع خاتمه یافته و طرفین از آسیب‌های بعدی در امان می‌مانند.

عفو و گذشت نسبت به دشمن در مرام امیرمؤمنان علی^ع به عنوان یکی از اصول مواجهه با دشمن از اهمیت بسزایی برخوردار است. گذشت از دشمن، بهترین وسیله برای شکرگزاری خدای متعال به هنگام پیروزی بر اوست؛ چراکه وظیفه انسان در برابر هر نعمتی که به او می‌رسد، این است که خدای خود را شکر و سپاس گوید، تا موجبات بقا و افزایش آن نعمت فراهم شود و از آنجا که شکر عملی، برتر از شکر و سپاس زبانی است؛ عفو و گذشت از دشمن، بهترین شکرگزاری به‌خاطر پیروزی بر دشمن است. لذا حضرت می‌فرماید: «اگر بر دشمن دست یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده» (همان، حکمت ۱۱).

از دیدگاه حضرت امیر^ع ارزشمندترین عفو و گذشت نسبت به دشمن، عفو به هنگام قدرت است؛ چراکه هر چه قدرت بر مجازات بیشتر باشد، عفو و گذشت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید این عفو بر اثر ضعف و ناتوانی از مجازات بوده؛ زیرا همگان از توانایی و قدرت او بر مجازات و انتقام‌جویی آگاهند، و این نشانه عزت نفس و جوانمردی اوست. لذا حضرت می‌فرماید: «شایسته‌ترین مردم به عفو، قادرترین آنها به مجازات است» (همان، حکمت ۵۲). علاوه بر اینکه سیره عملی خود حضرت در مواجهه با دشمن، عفو و گذشت بود، ایشان در کلامی به عفو و گذشت از دشمنی یاران پیمان‌شکن که تحت تأثیر فتنه معاویه قرار گرفته بودند، اشاره کرده و می‌فرماید: «شما از پیمان شکستن، و دشمنی آشکارا با من آگاهید. با این همه جرم، شما را عفو کردم و شمشیر از فراریان برداشتم و استقبال‌کنندگان را پذیرفتم و از گناه شما چشم پوشیدم» (همان، نامه ۲۹).

ب) مدارا کردن

از آنجا که دشمنی و عداوت با دیگران در نزد امیرمؤمنان^ع مسئله‌ای منفور و مردود است؛ به مدارای با دشمن که در اینجا به معنای رعایت اصول و قواعدی است که از یک‌سو موانع تشدید دشمنی شده و از سوی دیگر، باعث پشیمانی دشمن از رفتار خود می‌گردد، اشاره می‌کند. امیرمؤمنان^ع می‌فرماید: «با کسی که با تو به درشتی رفتار کرد، نرمی کن، که به زودی او نیز نسبت به تو نرم شود. با دشمن نیکی کن که آن شیرین‌ترین دو پیروزی [= انتقام و بخشش] است» (همان، نامه ۳۱). حضرت در این کلام به دو شکل مختلف پیروزی بر دشمن اشاره می‌کند، یکی از طریق شدت و خشونت، و دیگری از طریق محبت و دوستی؛ که قطعاً راه دوم بهتر و شیرین‌تر است؛ علاوه بر اینکه در آینده هم دیگر بیم انتقام‌جویی از طرف او وجود ندارد.

دیگری نیست؛ از این‌رو، در مواردی می‌توان بسته به میزان دشمنی و سطح درک و برخورد دشمن با مواجهه صورت گرفته، این اصول نسبت به موارد خود، هم‌پوشانی و هم‌افزایی داشته باشند که موارد آن بر عهده رهبران و کارگزاران جامعه اسلامی خواهد بود.

۲. اصول مواجهه با دشمن

یکی از نکاتی که امام^ع نسبت به آن توجه می‌دهد، اصول مواجهه با دشمن است. به این معنا که گرچه در میان افراد و گروه‌های مختلف درون جامعه با یکدیگر و یا با حکومت، عداوت و دشمنی وجود دارد؛ اما این مسئله نباید موجب شود تا حق هرگونه رفتار و مواجهه را برای خود جایز بدانند، بلکه دشمنی آنها هم باید براساس اصول و شرایطی انجام شود تا حدود مشخص شده در دین رعایت گردیده و در کینه‌ورزی با یکدیگر افراط نکنند.

نکته قابل ذکر اینکه تحلیل گزاره‌ها، صرفاً بر اساس مخاطبان کلام امام^ع و نوع بیان حضرت انجام شده است. به این صورت که هر جا خطاب حضرت، آحاد مردم جامعه بوده، و به طور مطلق آنان را به چگونگی مواجهه با دشمن امر می‌کرد، آن کلام را به عنوان خطاب عمومی در نظر گرفته و در بخش اصول مواجهه با دشمن داخلی گنجانده‌ایم؛ و آن بخش از کلام امام^ع که عمدتاً کارگزاران خود را به عنوان مسئول اصلی تعیین سیاست‌های مقابله با دشمن بیرونی، مورد خطاب قرار داده، با عنوان اصول مواجهه با دشمن خارجی، آورده‌ایم. این در حالی است که با اغماض از ملاحظه مذکور، می‌توان از اصول مطرح‌شده، به‌طور کلی برای نحوه مواجهه با انواع دشمنان، چه داخلی و چه خارجی، استفاده کرد.

در واقع شاید نتوان مرز دقیقی را برای تفکیک میان دشمن داخلی و خارجی ترسیم کرد؛ ولی می‌توان این ایده را مطرح ساخت که ای بسا به جهت اشراف و احاطه حکومت بر دشمنان داخلی، در مواردی مجموعه برخوردها با آنان، از نرمش و ملاحظت بیشتری نسبت به مواجهه با دشمن بیرونی برخوردار است.

۳. اصول مواجهه با دشمن داخلی

الف) عفو و گذشت

از جمله عواملی که موجب تداوم نزاع و درگیری بین افراد و گروه‌ها می‌شود و گاه سال‌ها ادامه یافته و در اثر آن جان و مال و آبروی افراد به خطر می‌افتد، عدم عفو و گذشت و تشدید کینه‌توزی آنان علیه یکدیگر است. این درحالی است که اگر افراد در همان مراحل

ج) خیرخواهی نسبت به دشمن

انسان به طور طبیعی نسبت به دشمن خود دارای بغض و کینه است؛ بغض و کینه‌ای که هر آن می‌تواند موجب غلیان حس انتقام‌جویی و مواجهه شدید با او شود آنچه که به وفور در سیره امیرمؤمنان علی^ع در مواجهه با دشمنان ملاحظه می‌شود خیرخواهی و پند و اندرز مولاست. مسئله‌ای که شاید به راحتی برای هر شخصی در ارتباط با دشمن امکان‌پذیر نباشد اما حضرت امیر^ع به عنوان الگوی بشریت، در مواجهه شایسته خویش با دشمن، به همگان می‌آموزد که چگونه با دیگران حتی دشمن، باید برخورد کرد.

نمونه بارز خیرخواهی حضرت نسبت به دشمن، نامه‌های مختلفی است که خود به معاویه می‌نویسد؛ غصب خلافت و سفارش به سب و لعن مولا، حاکی از عمق دشمنی معاویه با ایشان است؛ ولی حضرت در نامه‌های خود به وی، با زبانی نرم و خیرخواهانه، پوچی و فانی شدن دنیا، عذاب روز قیامت، خطرات پیروی از شیطان و... را به او گوشزد می‌کند تا بلکه متنبه شده و دست از دشمنی بردارد (در این زمینه، ر. ک. همان، نامه‌های ۴۸ و ۴۹).

د) مهلت دادن برای بازگشت

از دیدگاه امیرمؤمنان^ع جنگ راه حل مناسبی برای حل اختلافات و دشمنی‌ها نیست؛ لذا ایشان همواره راه صلح را به روی دشمنان خود باز می‌گذاشت و با آنها اتمام حجت می‌کرد؛ اگر بعد از تمامی تلاش‌ها برای رفع نزاع، راه‌حلی به دست نمی‌آمد، آن‌گاه به عنوان آخرین راه، جنگ را با اکره می‌پذیرفت.

زمانی که حضرت، جریر بن عبدالله بجلی را به عنوان نماینده خود برای مذاکره با معاویه به شام فرستاد و معاویه حاضر به بیعت نشد؛ یاران امام از او خواستند که آماده جنگ با شامیان شود. امام^ع این پیشنهاد را نپذیرفت و دلیل خود را این‌گونه بیان فرمود: «مهیا شدن من برای پیکار با شامیان درحالی که [فرستاده‌ی من] جریر نزد آنان است، بستن راه صلح بر شامیان است؛ و موجب می‌شود آنان اگر خواهان خیر هم باشند از آن روی بگردانند» (همان، خطبه ۴۳). نکته مهمی که در این کلام امام وجود دارد این است که ایشان صرفاً عقیده معاویه را مورد توجه قرار نمی‌دهد؛ بلکه افکار عمومی مردم شام را ملاک عمل قرار می‌دهد. لذا هدفش این است تا با خویشتن‌داری، شامیان را بی‌دلیل وارد میدان جنگ نکرده، و در صلح و سازش با آنها کوتاهی نکند.

هـ.) رعایت اعتدال در مواجهه با دشمن

رعایت اعتدال در مواجهه با دشمن از دیدگاه امیرمؤمنان علی^ع از چند جهت حائز اهمیت است. از یک سو، همان‌طور که روابط دوستانه میان

افراد همیشه استمرار نداشته و ممکن است روزی به دشمنی بیانجامد، دشمنی میان افراد هم برای همیشه استمرار ندارد و چه‌بسا دشمنی، که بعد از مدتی به دوستی بدل گردد. بنابراین انسان نباید بدون عنایت به شرایطی که ممکن است در آینده به وجود آید، در دوران دشمنی، تمام پل‌های پشت سر را خراب کند تا دیگر جایی برای بازگشت وجود نداشته باشد. لذا حضرت امیر^ع می‌فرماید: «در دشمنی با دشمن مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد» (همان، حکمت ۲۶۸).

جهت دیگری که رعایت اعتدال در مواجهه با دشمن را از دیدگاه حضرت ضروری می‌سازد، پرهیز از افراط و تفریط در دشمنی است. از دیدگاه مولا^ع برای هیچ‌کس این حق وجود ندارد که در زمان دشمنی با دیگران، حدود الهی را زیر پا گذاشته و آزادانه به میل خود هر ستمی را نسبت به دشمن روا دارد؛ چراکه براساس کلام ایشان چنین شخصی مصداق گناهکار است؛ آنجا که می‌فرماید: «کسی که در دشمنی زیاده‌روی کند، گناهکار است» (همان، حکمت ۲۹۸).

همچنین براساس دیدگاه حضرت، برای هیچ‌کس این حق وجود ندارد که در زمان دشمنی با دیگران، در احقاق حق خود کوتاهی کرده و اجازه دهد تا طرف مقابل حق او را پایمال کند و جان و مال و آبروی او را تضییع کند؛ چراکه چنین شخصی مصداق ستمکار خواهد بود که می‌فرماید: «آن کس که در دشمنی کوتاهی کند، ستمکار است» (همان). علاوه بر اینکه از دیدگاه حضرت، انسان نباید بدون دلیل موجه و قابل اعتنا، به دشمنی و کینه‌توزی با دیگران بپردازد و دائم نسبت به دیگران گلابه داشته و از آنها شاکی باشد؛ چراکه اینچنین شخصی مصداق انسان بی‌تقواست. حضرت در این خصوص می‌فرماید: «هرکس که بی‌دلیل دشمنی کند، نمی‌تواند باتقوا باشد» (همان).

جهت سومی که از دیدگاه امیرمؤمنان^ع رعایت اعتدال در دشمنی با دیگران ضرورت دارد، اینکه اعتدال در مواجهه با دشمن، یکی از روش‌های پیروزی بر اوست؛ زیرا زمانی که انسان خود بهانه به دست دشمن دهد، به راحتی مغلوب او شده و شکست می‌خورد؛ اما وقتی با رعایت روش عادلانه، مراقب افکار او باشد و بهانه به دست او ندهد، می‌تواند باعث چیرگی بر دشمن شود. علاوه بر اینکه روش عادلانه موجب افزایش طرف‌داران انسان شده، و این خود عامل دیگری برای چیرگی بر دشمن است. لذا حضرت می‌فرماید: «روش عادلانه، مخالفان را در هم شکند» (همان، حکمت ۲۲۴).

و) پرهیز از انتقام‌جویی

از جمله اصول مواجهه با دشمن از منظر نهج البلاغه، پرهیز از انتقام‌جویی

او باید عادلانه باشد و هرگونه افراط در مجازات ممنوع است. امام علیه السلام تصریح می‌کند، در صورتی که شخصی به قتل رسیده، تسویه حساب شخصی و کشتار عمومی به بهانه انتقام‌جویی از قاتل جایز نیست. ایشان همین نکته را در مورد بعد از شهادتش خطاب به خویشاوندان یادآور شده و می‌فرماید: «ای فرزندان عبدالمطلب، نبینم شما را که در خون مسلمانان فرو افتید و بگویید: «امیرمؤمنان کشته شد.» بدانید که به قصاص خون من فقط قاتلم کشته می‌شود» (همان، نامه ۴۷). در طول تاریخ موارد متعددی وجود دارد که عده‌ای به بهانه خون‌خواهی و انتقام‌جویی یکی از افراد قوم و قبیله خود، دست به کشتار جمعی می‌زدند و عده زیادی از افراد بی‌گناه را به کشتن می‌دادند. امام با آگاهی نسبت به این وضعیت، از این کار برحذر داشته و به یک قاعده کلی در مواجهه با دشمن اشاره می‌کند.

۴. اصول مواجهه با دشمن خارجی

این قسمت مشتمل بر بیان اصول مواجهه با دشمنانی است که خارج از قلمرو حکومت اسلامی، در حال برنامه‌ریزی و اقدام علیه ثبات و امنیت قلمرو سرزمینی هستند. در چنین وضعیتی مسئول اصلی تعیین سیاست‌های کلی حکومت برای چگونگی مواجهه با چنین دشمنانی، حاکم و رهبر جامعه است. از این‌رو، ما در اینجا آن بخش از کلمات حضرت امیر علیه السلام را که عمدتاً خطاب به مالک/اشتر به عنوان کارگزار حکومت مطرح کرده، به عنوان اصول مواجهه با دشمن خارجی بیان می‌کنیم. روشن است که تطبیق این موارد امروزه با نمایندگان حکومت اسلامی و آن کسانی است که به عنوان کارگزاران نظام اسلامی، در مقام مواجهه با دشمنان برمی‌آیند و به مذاکره و یا انعقاد قراردادهای پیمان‌نامه‌ها و ... می‌پردازند.

الف) شفافیت و دقت در انعقاد قراردادهای پیمان‌ها

قاعده مهمی که در انعقاد پیمان‌نامه‌ها و قراردادهای میان دولت‌ها باید مورد توجه جدی قرارگیرد این است که تمامی بندهای آن، شفاف، بدون ابهام و دقیق باشد و از به‌کار بردن تعابیری که امکان سوءاستفاده دشمن از آنها وجود دارد، پرهیز کرد؛ چراکه دشمن با زیرکی و سوء نیت می‌تواند با استفاده از تعابیر دوپهلو و مبهم در عقد پیمان، از وفای به آن با استناد به فهم خود از تعابیر مبهم اجتناب کند. لذا امام علیه السلام خطاب به مالک/اشتر می‌فرماید: «پیمانی میند که [ابهامی در آن باشد] راه تأویل در آن باز باشد» (همان، نامه ۵۳). این نکته نه‌تنها در مفاد عهدنامه‌ای که میان اقوام و ملل بسته

است؛ چراکه با تصمیم به انتقام‌جویی از طرف مقابل، چه‌بسا درگیری‌ها ادامه یافته و موجب خسارات زیادی از جهت مالی، آبرویی و یا حتی جانی شود. اما اگر فرد در مقابل دشمن، صبر و شکیبایی پیشه کند، زمینه بروز بسیاری از خطرهای از بین می‌رود. از دیدگاه حضرت امیر علیه السلام انتقام‌جویی از دشمن در هیچ حالتی صحیح و عاقلانه نیست. ایشان در کلامی با اشاره به این نکته می‌فرماید: «وقتی خشمناک شوم، کی خشم خویش را فرو نشانم؟ آیا هنگامی که قدرت بر انتقام ندارم، تا به من گویند: اگر شکیبایی می‌کردی بهتر بود؟ یا وقتی که بر انتقام توانایم؟ تا به من گویند: اگر در می‌گذشتی نیکوتر بود» (همان، حکمت ۱۹۴). مراد حضرت از این کلام، بیان این واقعیت است که انسانی که مورد ظلم و ستم واقع می‌شود، گاهی قصد انتقام‌جویی از طرف مقابل را دارد، اما توانایی انجام آن را ندارد، لذا به پرخاشگری و دشنام‌گویی می‌پردازد. بنابراین انتقام‌جویی از دشمن در هیچ حالتی صحیح نیست.

ز) پرهیز از شروع جنگ

پرهیز از شروع جنگ یکی از اصول مورد نظر حضرت امیر علیه السلام است. به این معنا که هیچ‌گاه نباید انسان قدم اول را در عداوت و کینه‌توزی با دیگران بردارد و به بحث و مشاجره پردازد؛ چراکه این کار چیزی جز افکندن خود در مهلکه و به خطر انداختن جان، مال و آبروی خویش نیست. از دیدگاه حضرت امیر علیه السلام آغازکننده جنگ، تجاوزکار محسوب شده و شکست خورده است. ایشان به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «هرگز کسی را به مبارزه فرا نخوان؛ و اگر تو را به مبارزه فراخواندند، بپذیر؛ زیرا کسی که مبارز می‌طلبد ستمکار است، و ستمکار به خاک خواهد افتاد» (همان، حکمت ۲۳۳). مراد حضرت از این کلام، این است که تنها جایی که می‌توان دعوت به مبارزه را پذیرفت، میدان جهاد است؛ چراکه در گذشته در بسیاری از میدان‌های جهاد، ابتدا جنگ تن به تن انجام می‌شد. به این صورت که یک نفر از لشکر دشمن با رجز خوانی مبارز می‌طلبید، شخص دیگری در مقابل او قرار می‌گرفت و در نهایت یکی از آنها پیروز می‌شدند. وظیفه مسلمانان این بود که آغازگر جنگ نباشند؛ ولی زمانی که از لشکر دشمن کسی مبارز می‌طلبید، دیگر سکوت در برابر او جایز نبود؛ چراکه این سکوت برابر با شکست بود. بنابراین در غیر میدان نبرد، انسان نباید آغازگر کینه و عداوت با دیگران باشد.

ح) مجازات عادلانه دشمن

از دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام، در صورت دستیابی به دشمن، مجازات

د) پرهیز از پیمان شکنی

از دیدگاه امیرمؤمنان علی^ع در زمان عداوت و دشمنی افراد با هم، هیچ کس حق ندارد با افراط در دشمنی، هرگونه ظلم و ستمی را نسبت به دشمن خود روا دارد. بلکه هرگونه مواجهه با دشمن، باید براساس اصول و موازین مورد تأیید دین صورت گیرد. از جمله اصولی که حضرت مطرح می کند، رعایت عهد و پیمان با دشمن است. به این معنا که همواره باید به عهد و پیمانی که با دیگران بسته می شود وفادار بود؛ و لو اینکه آن شخص دشمن باشد. حضرت می فرماید: «اگر با دشمن پیمانی بستنی، یا او را در پوشش امان خویش درآوردی، به پیمان خود وفادار بمان، و اگر در ذمه خویش او را امان دادی، آن را نیک رعایت کن. خود را سپر تعهدات خویش قرار ده؛ زیرا مردم با همه هواهای گوناگون و اختلاف نظری که دارند، بر هیچ یک از واجبات الهی، به اندازه بزرگ شمردن وفای به پیمان اتفاق نظر ندارند. مشرکان نیز جدا از مسلمانان، وفای به عهد را بر خود لازم می دانند؛ زیرا سرانجام ناخوشایند پیمان شکنی را آزموده اند. پس در آنچه بر عهده گرفته ای خیانت مکن، و پیمان خود را مشکن، و دشمنت را فریب مده، که جز نادان بدبخت، بر خداوند دلیری و گستاخی نکند. خداوند عهد و پیمانش را امان قرار داده، و از روی رحمتش به بندگان رعایت آن را از ایشان خواسته، و آن را حریم امنی ساخته تا در استواری آن بیاسایند، و خود را در پناه آن درآورند. پس در عهد و پیمان خیانت و فریب و نیرنگ جایز نیست» (همان).

کلام امام^ع ناظر به این است که وفای به عهد و پیمان همواره در میان اقوام و گروه های مختلف، از الزامات شمرده شده و هرگونه مخالفت با آن را قبیح می دانستند. گرچه در تاریخ نمونه های زیادی از پیمان شکنی وجود دارد، اما نکته جالب این است که در تمام آنها پیمان شکنان درصدد توجیه کار خود بوده و به پیمان شکنی خود معترف نبوده اند.

از دیدگاه حضرت امیر^ع رعایت عهد و پیمان با دشمن آن قدر ضروری است که در هیچ حالی امکان فسخ آن وجود ندارد؛ ایشان می فرماید: «هیچ گاه نباید قرار گرفتن در تنگناها به سبب الزام های پیمان الهی تو را وادار سازد که برای فسخ آن از طریق ناحق اقدام کنی؛ زیرا شکیبایی تو در تنگنای پیمان ها که (به لطف خداوند) امید گشایش و پیروزی در پایان آن داری، بهتر از پیمان شکنی و خیانتی است که از مجازات آن می ترسی؛ همان پیمان شکنی که سبب مسئولیت الهی می گردد، که نه در دنیا و نه در آخرت نمی توانی پاسخگوی آن باشی» (همان).

هـ) رعایت اصول انسانی درباره افراد ناتوان

رعایت اصول انسانی در جنگ و پرهیز از افراط در مواجهه با زنان و

می شود باید مورد توجه باشد؛ بلکه در معاملات و قراردادهایی که افراد به صورت خصوصی با یکدیگر می بندند نیز باید مورد توجه قرار بگیرد، تا از هرگونه سوءاستفاده طرف مقابل جلوگیری شود.

امیرمؤمنان علی^ع همچنین در ادامه کلام خود هشدار می دهد که همان گونه که نباید عبارتی در عهدنامه باشد که دشمن از آن سوءاستفاده کند، تو نیز باید با رعایت انصاف با عباراتی روشن و واضح قرارداد را منعقد کنی تا بهانه ای برای پیمان شکنی نداشته باشی. می فرماید: «پس از عهد بستن و استوار کردن پیمان [برای بر هم زدن آن] بر عبارت های دوپهلوی و ابهام انگیز تکیه مکن» (همان).

ب) تأمل در پذیرش پیشنهاد صلح از سوی دشمن

امام^ع در این رابطه می فرماید: «هرگاه دشمنت تو را به صلح فراخواند و خشنودی خداوند در آن بود، از آن روی متاب؛ زیرا صلح سبب آسودن سپاهیان، و آسایش خاطر تو، و امنیت شهرهایت می شود» (همان، نامه ۵۳). مراد امام^ع از صلح در اینجا، صلحی است که سبب سرفرازی امت اسلام باشد و حقوقی از آنها ضایع نشده و اجحافی از سوی دشمن نباشد؛ یعنی همان صلحی که با تمام شرایط عادلانه، انجام شود. مهم ترین ملاکی که امام برای پذیرش صلح از ناحیه دشمن مطرح می کند، مطابقت صلح با رضایت خداوند است. فوایدی که حضرت برای پذیرش صلح پیشنهادی از ناحیه دشمن، مطرح می کند حاکی از آن است که جنگ و خونریزی و دشمنی جوامع با یکدیگر، جز تخریب ممالک، بلا و مصیبت و از بین رفتن آرامش نیروهای نظامی و آسایش مردمان ثمرهای ندارد.

ج) هشجاری بعد از پذیرش صلح

از آنجاکه همواره از ناحیه دشمن احتمال صادقانه نبودن پیشنهاد صلح و قصد انتقام جویی وجود دارد؛ لذا بعد از برقراری صلح نیز باید مراقب رفتارهای زیرکانه و شیطنتهای او برای ضربه زدن بود. حضرت می فرماید: «اما پس از صلح کاملاً از دشمن برحذر باش؛ زیرا دشمن چه بسا نزدیکی کرده تا تو را غافلگیر سازد. پس راه احتیاط را در پیش گیر، و خوش گمانی به دشمن را متهم ساز» (همان). از دیدگاه حضرت امیر^ع از یک سو، پیشنهاد صلح شرافتمندانه از سوی دشمن را باید پذیرفت، و از سوی دیگر، همواره باید توجه داشت که پیشنهاد صلح از سوی دشمن همیشه صادقانه نبوده و دلیل بر صلح طلبی او نیست. در جایی دیگر حضرت تعبیر گویایی در این زمینه دارد و می فرماید: «... و هر کس بخواید [و از دشمن غافل گردد، بداند که] دشمن از او در خواب نمی شود» (همان، نامه ۶۲)؛ لذا نباید هرگز به آن دل بسته و از غافلگیری او چشمپوشی کرد.

حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید: «جنگ شما باید از یک جانب یا از دو جانب باشد» (همان). ممکن است مراد امام از دو جبهه، دو جبهه مختلف مثلاً شرقی و غربی نباشد؛ بلکه دو جبهه باشد که به اصطلاح امروز به صورت دایره و گازانبیری پیش می‌رود و ممکن است نتیجه‌اش به محاصره کامل دشمن بینجامد (مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۵۹).

سپس می‌فرماید: «بر قلۀ کوه‌ها و بر فراز تپه‌ها دیده‌بان‌هایی بگمارید، تا دشمن از جایی که می‌ترسید و یا خود را در امان می‌دانید، بر شما نتازد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۱۱). یکی از مهم‌ترین راه‌های جلوگیری از حمله غافلگیرانه دشمن، استفاده از قلۀ کوه‌ها و بلندی‌هاست؛ چراکه با قراردادن دیده‌بان بر فراز آنها، می‌توان نسبت به اطراف اشراف کامل پیدا کرد و تمام تحرکات دشمن را زیر نظر داشت. همچنین حضرت امیر^ع به اهمیت مقدمه لشکر اشاره کرده و می‌فرماید: «بدانید مقدمۀ سپاه، دیده‌بان آن است، و دیده‌بان‌ها جاسوسان لشکرند» (همان). این کلام امام اشاره به سیره گذشتگان در نبرد با دشمن دارد که هرگز انبوه لشکر همه با هم حرکت نمی‌کردند؛ بلکه تنها عده‌ای از افراد زنده که از نیروهای اطلاعاتی لشکر بودند، در فاصله‌ای جلوتر از لشکر حرکت می‌کردند و با رصد تحرکات دشمن و گزارش به فرمانده، نقش عمده‌ای در چگونگی مواجهه با دشمن داشتند.

نکته دیگری که امام^ع به آن توصیه می‌کند، پرهیز از پراکندگی و تفرقه است؛ می‌فرماید: «از تفرقه دوری کنید؛ هرگاه فرود می‌آیید، همگان فرود آیید؛ و هرگاه کوچ می‌کنید، همگان کوچ کنید» (همان). می‌توان از این کلام حضرت، ضرورت تقویت روحیه و نیز ارتقای روحیه نیروها و حتی کیفیت بخشی به تجهیزات نظامی نیروها را نیز برداشت کرد که البته مطابق با دستور قرآن کریم است؛ آنجا که می‌فرماید: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها {= دشمنان}، آماده سازید؛ و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید...» (انفال: ۶۰).

این موارد، اجمالی از مهم‌ترین اصول نظامی مواجهه با دشمن در آن زمان بود که امام^ع در نامه یازدهم به آنها تصریح کرده است. علاوه بر این نامه، امام^ع در نامه ۱۲، و خطبه‌های ۱۱، ۶۶ و ۱۲۴ نیز به سایر اصول نظامی مواجهه با دشمن پرداخته است.

ز) پرهیز از خوش‌گمانی به دشمن

گرچه اصل در اسلام بر خوش‌بینی است؛ اما هیچ‌گاه بدون قید و شرط به آن توصیه نشده است. لذا از آنجاکه در مورد دشمن همواره احتمال

کودکان بی‌گناه آنها، از مهم‌ترین اصول مواجهه با دشمن است. از آنجاکه در میان گروه و لشگریان دشمن، افراد مختلفی همچون سالخورده‌گان، زنان و کودکان، و مجروحان جنگی وجود دارد، باید همواره مراقب آنها بود و از هرگونه ظلم و ستمی نسبت به آنها پرهیز کرد. امیرمؤمنان^ع خطاب به سپاه خود، قبل از شروع جنگ صفین می‌فرماید: «هرگاه دشمن به اذن خدا گریخت فراری را نکشید، و ناتوان را آسیب نرسانید، و زخمی را از پای درنیارید» (همان، نامه ۱۴). نکته جالب توجه این است که امام^ع در مورد زنان نیز به طور ویژه به یاران خود سفارش کرده و می‌فرماید: «... زنان را با آزار دادن، تهییج نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیراتان را دشنام گویند» (همان). چون زنان توانایی نبرد و دفاع از خود را ندارند، با دشنام کینه‌های خود را ابراز می‌کنند. اینجاست که افراد بصیر و آگاه باید با تحمل آنها، واکنشی نشان ندهند؛ چراکه هرگونه واکنشی موجب می‌شود تا هیجان آنها بیشتر شده و چه‌بسا سر از کفرگویی درآورند. در ادامه حضرت به سیره و روش پیامبر در مواجهه با زنان مشرک اشاره کرده و می‌فرماید: «حتی زمانی که زنان مشرک بودند، دستور داشتیم که از آنان دست بازداریم» (همان). همچنین حضرت امیر^ع به سیره و روش مردم عصر جاهلیت اشاره می‌کند، که آنها گرچه در دوران جاهلیت به سر می‌بردند، اما همواره برای زن جایگاه خاصی قائل بودند و اجازه جسارت به او را نمی‌دادند؛ می‌فرماید: «و اگر در جاهلیت مردی به زنی با سنگ یا چماق تعرض می‌کرد، او و فرزندش را سرزنش می‌کردند» (همان). وقتی در دوران جاهلیت مردم این‌گونه با زنان دشمنان مواجهه می‌کردند، طبیعی است که در اسلام به طریق اولی باید به جایگاه اجتماعی آنها و نوع مواجهه با آنان بیشتر و بهتر توجه کرد.

و) رعایت اصول نظامی و تقویت قوای نظامی در جنگ با دشمن

از آنجاکه رفتارهای دشمن غیرقابل انتظار و پیش‌بینی است، به منظور عدم غافلگیری و شکست در برابر دشمن، باید اصول و تاکتیک‌های نظامی را به دقت رعایت کرد و تجهیزات و نیروهای نظامی را همواره تقویت کرد. نمونه بارز شکست لشگریان اسلام به دلیل عدم رعایت اصول نظامی، جنگ احد بود.

از این‌رو، امیرمؤمنان^ع بر رعایت اصول نظامی در مواجهه با دشمن تأکید دارد. ایشان خطاب به فرماندهان لشکر، رعایت اصول نظامی را تشریح کرده و در نخستین دستور می‌فرماید: «چون بر دشمن فرود آمدید یا دشمن بر شما فرود آمد، لشکرگاه خود را در مکانی بلند یا دامنه کوه‌ها، یا میان رودها قرار دهید تا پناهگاهی برای شما و مانعی بر سر راه دشمن باشد» (همان، نامه ۱۱).

به تحلیل مسائل پرداخته و نسبت به جریان‌های سیاسی و اجتماعی زمان خود بصیرت داشته باشند. از جمله عواملی که موجب مسدود شدن باب تفکر و تعقل می‌شود، ناسزاگویی به دیگران است. به‌طور کلی، ناسزاگویی به دیگران، حاکی از کم‌خردی و ضعف استدلال و منطق است. زمانی که امیرمؤمنان^ع در جنگ صفین شنید که یارانش شامیان را دشنام می‌دهند، خطاب به آنها فرمود: «من خوش ندارم که شما دشنام‌دهنده باشید. اگر شما رفتار آنان را افشا کرده، حالشان را بازگو کنید، گفتارتان صواب‌تر، و عززتان پذیرفته‌تر خواهد بود. بهتر است به جای ناسزا گفتن بگویید: خداوند، خون‌های ما و خون‌های ایشان را از اینکه بر زمین بریزد، حفظ کن؛ و روابط میان ما و آنان را اصلاح فرما. این گروه را هدایت کن و از گمراهی نجات ده، تا کسی که جاهل به حق است آن را بشناسد و کسی که شیفته گمراهی است از آن بازایستد...» (همان، خطبه ۲۰۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش اساسی ارتباطات اجتماعی در حیات جمعی، و نیاز انسان‌ها به برقراری ارتباط با یکدیگر، حذف آن و یا انجام ارتباط خارج از چارچوب‌های متناسب با اصول فرهنگی و اجتماعی و روابط میان جوامع، آسیب‌های زیادی را هم برای فرد و هم برای جامعه به وجود می‌آورد. براین اساس، مردم در هر جامعه‌ای باید بر مبنای اصول و قواعدی با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته باشند. از آنجاکه از دیدگاه امام^ع، جنگ راه‌حل مناسبی برای حل اختلافات و دشمنی‌ها نیست، لذا ایشان همواره راه صلح را روی مخالفان بازمی‌گذاشت و با آنها اتمام حجت می‌کرد و برای بازگشت به آنها مهلت می‌داد، و اگر بعد از تمامی تلاش‌ها برای رفع نزاع، راه‌حلی به دست نمی‌آمد، آن‌گاه به عنوان آخرین راه، جنگ را با اکره می‌پذیرفت.

اما در زمان وقوع جنگ نیز، حضرت امیر^ع رعایت اصولی را لازم و ضروری می‌داند. اصول را به دو دسته اصول مواجهه با دشمن داخلی و خارجی تقسیم کردیم که مراد از داخلی، دشمنانی هستند که در قلمرو حکومت اسلامی حضور دارند و امکان سیطره و غلبه بر آنان وجود دارد؛ که به اصولی همچون عفو و گذشت، مدارای با دشمن، خیرخواهی و تلاش برای هدایت یافتن و به راه حق بازگشتن آنان، رعایت عدالت، پرهیز از انتقام‌جویی، پرهیز از شروع جنگ و درگیری با آنان، مهلت دادن برای بازگشت آنان از دشمنی و نیز مجازات عادلانه چنین دشمنانی اشاره گردید. از طرف دیگر در مورد مواجهه با دشمنان خارجی به اصولی همانند ضرورت شفافیت و دقت در انعقاد قرارداد و پیمان‌نامه با آنان، تأمل در موارد

کینه‌توزی و انتقام‌جویی وجود دارد؛ امام^ع از خوش‌بینی نسبت به دشمن برحذر داشته و می‌فرماید: «اما پس از صلح کاملاً از دشمن برحذر باش؛ زیرا دشمن چه‌بسا نزدیکی کرده تا تو را غافلگیر سازد. پس راه احتیاط را در پیش گیر، و خوش‌گمانی به دشمن را متهم ساز» (همان، نامه ۵۳).

ح) مقابله به مثل

امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «سنگ را به جایی که از آن آمده، بازگردانید؛ چه، شر را جز شر دفع نمی‌کند» (همان، حکمت ۳۱۴). این کلام بیانگر قانونی کلی در برابر کسانی است که تنها راه مقابله با اعمال خلاف آنها، توسل به زور است؛ یعنی دشمنانی که با تمام قوا به مسلمانان حمله می‌کنند؛ تنها راه مبارزه با آنها، مقابله به مثل است و هرگونه سهل‌انگاری و کاهلی در برابر آنان غیرقابل قبول خواهد بود. مفاد این کلام حضرت، شبیه آیاتی از قرآن کریم است که بیانگر قانون کلی مقابله به مثل در مواجهه با دشمن است. در قرآن می‌خوانیم: «... پس آن کس که تجاوز کند بر شما، تجاوز کنید بر او، برابر آنچه بر شما تجاوز کرده است...» (بقره: ۱۹۴).

ط) پرهیز از تسلیم شدن

گرچه امیرمؤمنان^ع در رابطه با چگونگی مواجهه با دشمن، دستور به رعایت اصول انسانی می‌دهد، و رعایت عدالت در مواجهه با او را ضروری می‌داند؛ اما از دیدگاه ایشان، هرگونه خواری و زبونی در برابر دشمن مردود است و تسلیم در برابر او نشانه ضعف و سستی اراده انسان بوده و معنایی جز ذلت و خواری ندارد. امام بعد از توصیف لشکریان کوفه، و مایوس شدن از همراهی آنها، به ایستادگی و مقاومت خود و عزم و اراده‌اش در مواجهه با دشمن اشاره کرده و می‌فرماید: «تو اگر می‌خواهی این‌گونه باش (ضعیف و ناتوان و تسلیم در برابر دشمن خونخوار)، ولی من به خدا قسم پیش از آنکه به دشمن فرصت دهم با شمشیر مشرفی (شمشیر برنده مخصوصی که از منطقه‌ای به نام «مشرف» از یمن یا شام می‌آوردند) چنان ضربه‌ای بر او وارد سازم که تکه‌های استخوان سرش به آسمان رود و دست و پایش قطع شود...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۳۴).

ی) پرهیز از ناسزاگویی به دشمن

امیرمؤمنان علی^ع در دوران حکومت خود همواره به دنبال ارتقای سطح فکری و معرفتی مردم جامعه خود بود، تا مردم با اندیشه، تعقل و استدلال

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۳۹۱، ترجمه علی شبروانی، قم، معارف.
- آزادفر، صادق، ۱۳۹۴، کنکاشی بر سیره امام علی در مواجهه با مخالفان، در: www.borhan.ir
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی.
- داعی نژاد، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۹، «امام علی و اصول برخورد با دشمنان»، حکومت اسلامی، ش ۱۸، ص ۳۸۷-۳۹۹.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، فرهنگ دهخدا، تهران، سیروس.
- رحمانی، جواد و همکاران، ۱۳۹۳، «تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبائی»، اسلام و مدیریت، سال سوم، ش ۶ ص ۱۶۳-۱۸۰.
- رسولی، حبیب الله، ۱۳۹۳، «بررسی و نقد اصول جنگ در نهج البلاغه»، مدیریت نظامی، ش ۳۷، ص ۱۱۴-۱۳۷.
- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۰، «جایگاه دشمنان و مخالفان در نگرش سیاسی امام علی»، روش شناسی علوم انسانی، ش ۲۶، ص ۴۶-۶۳.
- مصطفوی، سیدجواد، ۱۳۸۵، احکام و آداب جنگ، قم، جامعه مدرسین.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۷، پیام امام امیرالمؤمنین (شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه)، قم، امام علی بن ابی طالب.

پیشنهاد صلح از سوی آنان، هشیاری بعد از پذیرش صلح، پرهیز از پیمان شکنی، رعایت اصول نظامی و حتی انسانی در مواجهه با دشمن، پرهیز از خوش گمانی نسبت به دشمن، اقدام به مقابله به مثل در برابر آنان، پرهیز از تسلیم شدن در مقابل دشمن اشاره گردید.

امام هزرگ خوش بینی نسبت به دشمن را جایز نمی داند؛ چراکه همواره احتمال کینه توزی و انتقام جویی از سوی آن را محتمل می داند. اما نکته قابل توجه این است که گرچه امام رعایت اصول انسانی را در مواجهه با دشمن ضروری می داند؛ اما از کلام حضرت این معنای صریح را می توان استنباط کرد که هرگونه خواری و زیونی هم در برابر دشمن، مردود و ناپسند است؛ و تسلیم در برابر دشمن، نشانه ضعف و سستی اراده انسان بوده و معنایی جز ذلت و خواری ندارد. لذا هیچ گاه تسلیم در برابر دشمن را جایز نمی داند. از دیدگاه امام، در صورت دستیابی به دشمن و تصمیم بر مجازات او، باید همواره عدالت را رعایت کرد و از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه جلوگیری کرد. همچنین درباره مقابله با آزار و اذیت دشمن، حضرت تنها راه را ایستادگی در برابر او و مقابله به مثل با شر دشمن می داند؛ یعنی همان طور که او شما را مورد آزار و اذیت قرار می دهد، شما نیز به همان شکل با او مقابله کنید.

اما از آنجاکه همواره ممکن است در شرایط مختلف با دشمن عهد و پیمانی بسته شود، تا براساس آن طرفین براساس یکسری از توافقات با یکدیگر تعامل داشته باشند، رعایت چند مسئله مهم را امیرمؤمنان ضروری می داند. اول اینکه هیچ گاه نباید فریب چهره ظاهری دشمن را خورد و به او اعتماد کرد؛ بلکه همواره باید در پیشنهاد صلح از سوی دشمن تأمل کرد و بعد از بررسی همه جوانب تصمیم گیری کرد. سپس در صورت پذیرش صلح، هرگز نباید از دشمن غافل شد و او را به حال خود رها کرد؛ بلکه از آنجاکه همیشه احتمال انتقام جویی از سوی او وجود دارد، باید جوانب احتیاط را رعایت کرد و نسبت به او هشیار بود.

نکته دیگری که امام در این باب به آن اشاره می کند، شفافیت در تدوین قراردادهای و انعقاد پیمان نامه هاست؛ به این معنا که تمامی بندهای آن باید شفاف و روشن باشد و از به کار بردن تعابیری که امکان سوءاستفاده دشمن در آنها وجود دارد، پرهیز کنند؛ چراکه دشمن با زیرکی و دشمنی خود می تواند با استفاده از تعابیر دوپهلوی و مبهم، از وفای به آن، با استناد به فهم خود از آن تعابیر، اجتناب کند.